

نادر ابراهیمی

نادر ابراهیمی در چهاردهم فروردین 1315 در تهران متولد شده است. تحصیلات ابتدایی را در دارالفنون می گذراند و سپس وارد دانشکده حقوق می گردد، اما پس از دو سال این دانشکده را رها کرده و سرانجام در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به درجه لیسانس می رسد. «خانه ای برای شب» اولین مجموعه داستان او است که در سال 1341 منتشر می گردد. او در ادامه به تالیف نزدیک به یکصد اثر می پردازد که بیش از هرچیز پراکندگی را در آثارش نمایان می سازند. ابراهیمی در دو کتاب «ابن مشغله» و «ابوالمشاغل» به شرح کامل حوادث و رویدادهای زندگی اش پرداخته است تا خوانندگان کتابهایش را تا حدی از جستجو در زندگی گذشته خود بی نیاز سازد. اما آنچه در این میان ممکن است مورد توجه قرار گیرد، پیوستن او به یک سازمان سیاسی در سیزده سالگی است که تجربه زندان و بازجویی را برای او به ارمغان می آورد. مساله ای که شاید در شکل گیری باورهای سیاسی این نویسنده، که غالب آثار او را نیز متأثر از خود ساخته اند، نقشی اساسی بر عهده داشته باشد: «دلم می خواست سیاستمدار بشوم، یک سیاستمدار واقعی؛ سیاستمداری که به مردم راست بگوید و به خاطر آزادی همانقدر بجنگد که به خاطر رفاه، به خاطر وطن همانقدر که به خاطر اعتقاد. افسوس اما که دیگر گذشته است و تابوتم را بر سر دست می برند.» ابراهیمی داستان نویسی را با خلق فابل ها و قصه هایی از زبان حیوانات آغاز می کند و می کوشد با انسانی کردن اشیاء و حیوانات به توصیف کژبها و پلیدیهای اجتماعی بپردازد. یاس و ناامیدی به شکلی فراگیر در فابلهای ابراهیمی حضور دارند و قهرمانهای داستانهای او عموماً با شکست، مرگ و یا سرخوردگی مواجه می شوند. گرایش به ادبیات تمثیلی و آمیخته با استعارات فراوان را می توان یکی از راههای انتقاد از شرایط غالب بر جامعه دانست و در حقیقت نویسنده ای که اجازه ندارد واقعیت های موجود را به نگارش درآورد، با روی آوردن به مفاهیم انتزاعی به اثر خویش کلیت می بخشد. ابراهیمی پس از تجربه فابل نویسی به پیروی از نویسندگان روشنفکر زمان خویش به خلق داستانهای تمثیلی روی می آورد. این دسته از آثار او معمولاً به دلیل به کارگیری نثری ملال آور از سوی نویسنده و عدم وجود حادثه ای مشخص برای پیشبرد داستان، در برقراری ارتباط با خواننده موفق نیستند و به تکرار مضامینی چون مرگ و ناامیدی می پردازند. جملات قصار در داستانهای این دوره ابراهیمی حضوری پررنگ تر می یابند و از این زمان کاربرد خود را به دیگر ارکان داستان تحمیل می کنند.

ابراهیمی برای پایبندی به تعهدات اجتماعی و اخلاقی و نمایش آن، ساده ترین راه را بر می گزیند و حتی در دوره ای که به دلیل تغییر شرایط اجتماعی نویسنده دیگر قادر نیست با قطعیت در خصوص بحران ها و مسایل اجتماعی – سیاسی راه درمان نشان دهد، همچنان به استفاده از جملات حکیمانه پایبند می ماند؛ گرچه نمی توان از کنار تبحر او در خلق این جملات بی تفاوت گذشت. داستانهای ابراهیمی، جز معدودی، به جای پیروی از محور اصلی داستان و بهره گیری از ایجاز برای روایت مضمونی اجتماعی عموماً یادداشتهایی بلند از یک راوی پرگو به شمار می روند که بیشتر تلاش دارند فلسفه بافیهای نویسنده را شرح دهند. ابراهیمی با تعریف دیگرگونه ای که از مفهوم تعهد یک نویسنده ارایه می دهد، آثارش را از چهارچوبهای رایج ادبیات داستانی خارج نموده است. در اوایل دهه

پنجاه و با اوج گیری فشار رژیم بر نویسندگان و روشنفکران که همراه با تعطیلی کتابخانه ها و توقیف کتابها ، مجلات ادبی و روزنامه ها است ، ابراهیمی نیز همچون برخی دیگر از نویسندگان هم دوره خویش - مانند میرصادقی و گلشیری - به خلق آثاری در باب نقد عملکرد روشنفکران می پردازد . داستانهایی که یا به گوشه نشینی و سکوت روشنفکران طعنه می زنند و یا به ملامت آن دسته از روشنفکرانی می پردازند که خواسته یا ناخواسته به رژیم وابستگی پیدا کرده اند . توجه به آن دسته از آثار خلاقه ابراهیمی که پیش از انقلاب منتشر گردیده اند نشان می دهد برخلاف آنچه که برخی از منتقدین آثار او ادعا می کنند ، ابراهیمی هرگز در باورهای سیاسی خویش تغییر بنیادینی ایجاد نمی کند و پس از انقلاب نیز از همان جهان بینی سیاسی سابق پیروی می نماید . تنها می توان گفت که به دلیل تغییر فضای اجتماعی و سیاسی و فراهم آمدن شرایطی مناسب و همسو با باورهای سیاسی این نویسنده ، او به شکلی علنی و صریح به بیان دیدگاههای خود که پیش از انقلاب آنها را از زبان حیوانات و یا در لفافه مطرح می ساخت ، می پردازد ؛ مساله ای که البته چندان با سلیقه برخی از روشنفکران سازگاری ندارد . کتابهایی همچون « سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می آمد » (براساس زندگی رهبر فقید انقلاب اسلامی) و « مردی در تبعید ابدی » (بر اساس زندگی ملاصدرا) - که پس از انقلاب منتشر گردیده اند - به بهترین شکل بیانگر دلبستگی نادر ابراهیمی به فرهنگ اسلامی و انقلابی می باشند . البته در مجموعه هایی که در سالهای اخیر منتشر گردیده اند ، و به خصوص در مجموعه « حکایت آن اژدها » ، با داستانهایی از او مواجه می شویم که نشان دهنده ناامیدی اش در رسیدن به یک مدینه فاضله و بیانگر انتقاداتی است که اودر عین پابندی به اصول انقلابی و ملی گرایانه اش نسبت به شرایط موجود دارد .

ابراهیمی در خلق داستانهایی که موقعیتشان در صحرا می گذرد (مجموعه هزارپای سیاه و قصه های صحرا و رمان آتش بدون دود) نوع خاصی از واقع گرایی را که با اسطوره ها همراه گشته است در داستان خویش به نمایش می گذارد . افسانه ها ، آیین های کهن قوم ترکمن و طبیعت صحرا در این رمان به شکلی شاعرانه توسط نویسنده روایت و توصیف می گردند . مجموعه « آتش بدون دود » - که جایزه برگزیده 20 سال پس از انقلاب را برای ابراهیمی به ارمغان می آورد - برجسته ترین و شاید قابل تامل ترین اثر او به شمار می آید . ابراهیمی سه جلد نخست این مجموعه هفت جلدی را پیش از انقلاب منتشر می سازد که در مقایسه با چهار جلدی که پس از انقلاب فرصت چاپ می یابند از اقبال بیشتری برخوردار می گردد . آنچه به این مجموعه - که بنا بر ادعا نویسنده قرار است « تاریخ خلق قوم ترکمن » باشد - ضربه می زند ، تحلیل های سیاسی نا بجای نویسنده ، به خصوص در چهار جلد آخر ، می باشد . علاقه وافر ابراهیمی به رایاه تحلیلهای سیاسی ، که گاه رنگ و بوی شعار به خود می گیرند ، به شکلی علنی در آثار او نمود دارد و گاه داستانهایش را تا سطح مقالاتی اجتماعی - سیاسی تنزل داده است . مساله دیگری که در آثار پراکنده ابراهیمی به چشم می خورد نثر پرداخته شده داستانهایش است . ابراهیمی چه در داستانهای واقع گرایانه و غزل داستانهایش و چه در فیلمنامه ها و داستانهای استعاری اش از توجه به زبان اثر غافل نمی ماند . او شاید از معدود نویسندگانی باشد که در تمامی داستانهایش بر رایاه زبانی سالم و آهنگین تاکید دارد . گرچه این مساله نیز از انتقاد در امان نمانده است و منتقدان گاه زبان و نثر را در داستانهای او سرپوشی برای پنهان کردن ضعفهای بنیادین داستان نویسی او دانسته اند ؛ چنانکه شمیم بهار در خصوص داستانهای او می گوید : « ابراهیمی اساسا داستان کوتاه نویس هنرمندی نیست . داستان هایش از نظر ساختمان و آدم ویران است و او در پی

تزیین نثر است . « ابراهیمی خود در مقدمه ای که بر مجموعه « خانه ای برای شب » می نویسد ، علی رغم پذیرش برخی ضعفها در ساختار داستانهایش به شکلی متفاوت با این موضوع برخورد می کند : « من نثر را چون جامه ای بر تن موضوع نمی بینم که آرایش این جامه ، تن را در غربت نگه دارد و در ناشناختگی . اگر موضوع یا محتوا ، گهگاه در قصه های من غریب و دور از دست می ماند ضعف من است ، نه گناه آراستگی نثر... » . نادر ابراهیمی تجربه های گوناگونی را پشت سر گذارده است و پراکندگی موجود در آثارش نیز شاید ناشی از همین تغییر شرایط و تمایل او برای یافتن شیوه های گوناگون و نوین برای آرایه حرفهایش باشد . آثار قابل تامل او در حوزه ادبیات کودک ، فیلمسازی و تصویرگری کتاب کودک نیز دلیلی بر این ادعا هستند . داستانهای ابراهیمی اما از جایگاهی در میانه ادبیات عامه پسند و متعالی برخوردارند . نوعی از ادبیات که در پرورش و تربیت خوانندگان آثار پاورقی و متمایل ساختن آنان به مطالعه آثار قابل تامل ادبیات نقش اساسی بر عهده دارد اما متأسفانه تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است . هرچند که هیچ کدام از ما نیز نمی تواند تاثیر کتابهای او را در بدست آوردن آرامشی که در روزهای پر التهاب جوانی به آن نیاز داشته ایم انکار کند . همه ما ، لااقل اگر با خود صادق باشیم و گذشته مان را انکار نکنیم ، ساعاتی را به یاد داریم که از خواندن داستانهای ابراهیمی - بی توجه به ساختار آنها - لذت برده ایم . چه جهان داستانی اش را دوست داشته باشیم و چه او را یک سیاستمدار و مصلح اجتماعی بدانیم تا داستان نویس ، داستانهای نادر ابراهیمی در پرکردن خلاء میان آثار عامه پسند و متعالی ادبیات موفق بوده اند .